

جایگاه آموزه مهدویت در ساختار قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سیدابوالفضل موسوی آقداش^۱

چکیده

«ساختار قدرت» در همه حکومت‌ها، به عنوان یکی از عوامل موثر بر تثبیت یا نابودی آن نظام مورد توجه بوده است. بدین رو، ساختار قدرت در انقلاب اسلامی ایران که این انقلاب براساس آموزه‌های دینی و با محوریت تشیع اثناعشری در سال ۱۳۵۷ شکل گرفت؛ همواره مورد نظر اندیشمندان بوده است. بنابراین آموزه‌های مکتب تشیع، اندیشه امامت و مهدویت ساختار قدرت را تعیین می‌کند. بعد از پیروزی انقلاب، حاکمیت جمهوری اسلامی از طرف مردم انتخاب و با رأی ملت، خبرگان قانون اساسی تشکیل و قانون اساسی تدوین شد. در این نوشتار، به صورت توصیفی - تحلیلی جایگاه آموزه مهدویت در ساختار قدرت در قانون اساسی با تکیه بر اصول قانون اساسی تبیین خواهد شد. در چشم اندازی کلی، محوریت اندیشه امامت و مهدویت و نظریه ولایت فقیه در عصر غیبت و همخوانی برنامه‌ها و اهداف انقلاب با برنامه‌های دولت موعود، جلوه‌نمایی می‌کند. علاوه بر کلیات مطرح در مورد آموزه‌های تشیع و امامت در قانون اساسی؛ بازخوانی برخی برنامه‌ها و اهداف تعیین شده در قانون اساسی و همخوانی آن‌ها با برنامه‌های دولت موعود، مانند رشد فضایل اخلاقی، رشد علمی، دادگستری و عدالت محوری، رشد اقتصادی و رفع فقر، آزادی و امنیت، نفی استکبار و حمایت از مستضعفان و احیای حقوق عامه، گویای جایگاه والای آموزه مهدویت در این انقلاب است. در مجموع می‌توان گفت، «اندیشه امامت و مهدویت» پایه و اساس این نظام است و قدرت این نظام بر این اساس ساختار بندی شده است.

واژگان کلیدی: مهدویت، قدرت، انقلاب، قانون اساسی، جمهوری اسلامی.

۱. دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت - دانشجوی دکترای شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

مقدمه

در دنیای مادی و انسان محور قرن بیستم شکل گیری یک انقلاب با محتوای ایدئولوژیک و دینی بعد از به وجود آمدن انقلاب های اقتصادی و سیاسی محور مانند انقلاب کبیر روسیه^۱ در سال ۱۹۱۷ میلادی و انقلاب لائیک فرانسه (۱۷۹۹-۱۷۸۹ م) پدیده ای نو و قابل توجه بود؛ اما در خصوص انقلاب ایران: «ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت های ایران در سده اخیر، مکتبی و اسلامی بودن آن است.»^۲ انقلاب اسلامی ایران توانست با معرفی اسلام راستین خط بطلانی بر کج روی ها و برداشت های غلط از دین مبین اسلام بکشد و آن را از انحرافات بزداید. با توجه به محوریت دینی این انقلاب، قوانین و برنامه های نظام بر اساس آموزه های الهی مکتب ناب تشیع تدوین و ترسیم گردید.^۳ بدین رو، بسیاری از مباحث مربوط به آموزه امامت و مهدویت، به صورت کلی مورد توجه بوده است؛ اما از آن جا که این انقلاب در عصر غیبت دوازدهمین امام شیعیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه شکل گرفت، در برخی موارد، به صورت ویژه مباحث مربوط به مهدویت در آن ملاحظه می شود.

در خصوص انقلاب اسلامی ایران و ارتباط آن با مهدویت، به صورت کلی کتاب ها و مقالات متعددی از نویسندگان ایرانی و خارجی نوشته شده است؛ مانند «انقلاب و انتظار»، اثر دکتر رحیم کارگر؛ «انقلاب اسلامی ایران و تغییر نگرش به آموزه مهدویت»، اثر دکتر امیرحسین عرفان و «مهدویت هویت انقلاب اسلامی»، از رضا شجاعی مهر. به صورت مصداقی تر نیز مقاله «نقش آموزه مهدویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، توسط آقای حسین علی جباری تألیف شده است؛ اما نگارنده تاکنون به مقاله ای که به بررسی جایگاه آموزه مهدویت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته باشد، دست نیافته است و این مقاله می تواند گامی در این مسیر باشد. گفتنی است که سعی شده جملات مقاله با استفاده از مواد قانون اساسی

۱. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، جنبشی اعتراضی، ضد امپراتوری روسیه بود که در سال ۱۹۱۷ میلادی رخ داد و به سرنگونی حکومت تزارها و برپایی اتحاد جماهیر شوروی انجامید. مبانی انقلاب بر پایه صلح-نان-زمین بود.

۲. مقدمه قانون اساسی.

۳. قانون اساسی، اصل دوازدهم: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثناعشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است.»

به صورت یک متنی تدوین شود تا این ارتباط برای خواننده محسوس تر بنماید.

۱. واژه شناسی

مَهْدَوِیت: «مهدویت» مصدر جعلی مهدی، به معنای «مهدی بودن» است؛^۱ چون لغاتی را که از اضافه شدن «یت» یک اسم درست شده باشند، مصدر جَعَلی یا صِناعی می‌نامند، مانند ایرانیّت، انسانیّت و آدمیّت. برخی معتقدند اسم اصلی که می‌تواند اسم فاعل، اسم مفعول یا هر اسم دیگری باشد، بر معنای مصدر صناعی اثرگذار است و معنای مصدری آن را به سوی خود معطوف می‌کند. بنابراین، مهدویت از لحاظ لغوی، به معنای مهدی بودن است و چون مهدی اسم مفعول و به معنای هدایت شده است، مهدویت به معنای ره یافته بودن خواهد بود. امروزه اصطلاح مهدویت، با توجه به کاربردهای آن در سخنرانی‌ها، مقاله‌ها، کتاب‌ها، نشریه‌ها و مانند آن؛ برای اشاره به آموزه‌ها و بحث‌هایی در نظر گرفته می‌شود که به گونه‌ای با حضرت مهدی علیه السلام ارتباط دارند.

شیعیان دوازده امامی به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، فرزند یازدهمین امام شیعیان، یعنی امام حسن عسکری علیه السلام که از سال ۳۲۹ هجری در غیبت کبرا قرار دارد، اعتقاد دارند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدنش را وعده داده و در پایان تاریخ نجات‌بخش انسان‌ها خواهد بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بشارت باد بر شما به مهدی! ... که زمین را از عدل و قسط آکنده می‌کند؛ آن گونه که از جور و ظلم پر شده باشد. از او ساکن آسمان و زمین راضی خواهد شد.»^۲ البته موعودباوری، به معنای اعتقاد به فردی نجات‌بخش که در آخرالزمان برای نجات و رهایی انسان‌ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد، اعتقادی فراگیر می‌باشد؛ یعنی اعتقاد به منجی، در ادیان و ملل و اقوام مختلف و با آیین‌ها و فرهنگ‌های کاملاً متفاوت وجود دارد و در آن‌ها منجی موعود و نجات‌بخش به اشکال و صورت‌های گوناگون و متنوعی مطرح شده است.^۳

قدرت: فرهنگ‌های زبان فارسی، واژه «قدرت» را در مفاهیم «توانستن»، «توانایی داشتن» که

۱. تونه‌ای، موعود نامه، ص ۷۱۱، واژه «مهدویت».

۲. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۱ و ۴۸۳.

۳. رک: موحّدیان عطار، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۱۹-۳۲.

معنای مصدری آن است و «توانایی» که اسم مصدر است به کار برده‌اند. گاهی نیز مرادف با کلمه «استطاعت» و به معنای قوه‌ای که واجد شرایط تأثیرگذاری باشد، به کار رفته؛ یا به «صفتی که تأثیر آن بر وفق اراده باشد» معنا شده است.^۱

کلمه قدرت در اصل از زبان عربی به فارسی انتقال یافته و در اصل، از ماده «قدر»، به معنای «ظرفیت واقعی و حدّ نهایی و کامل هر چیز» گرفته شده است. برخی لغت قدرت را با توجه به رابطه آن با «قدر» معنا کرده‌اند، از جمله قدرت خداوند بر آفریدگانش به این معناست که ظرفیت و حد نهایی که خداوند، خود خواسته و اراده کرده است، به آن‌ها می‌دهد. قدرت، با «علی» متعدی می‌شود و در مفهوم تمکن و تسلط بر کسی یا چیزی به کار می‌رود.^۲ در مفردات راغب آمده است، قدرت هرگاه در وصف انسان به کار رود، به معنای حالتی است که با آن انسان به انجام دادن کاری موفق می‌شود؛ ولی اگر به عنوان وصفی برای خداوند به کار رود، به این معناست که او از انجام دادن هیچ کاری ناتوان نیست.^۳ مهم ترین واژگان مترادف با قدرت در زبان عربی، «سلطه» و «اقتدار» است که به زبان فارسی نیز راه یافته است و به ویژه در اصطلاحات علوم سیاسی کاربرد فراوان دارد. در فرهنگ سیاسی غرب، واژه‌هایی مثل Power و Authority به عنوان معادل کلمه قدرت به کار رفته‌اند که به معنای استعداد و توانایی انجام دادن کار ability to do or act هستند.^۴

تعریف‌های مختلفی از قدرت شده است که شاید بتوان در این تعریف جمع کرد:

قدرت، منشأ پدید آمدن آثاری است که در هر زمینه توقع و انتظار آن را داریم و به عبارتی آشکارتر می‌توان گفت قدرت هر موجودی (اعم از موجود طبیعی، مصنوعی یا اجتماعی) عبارت است از: منشأ آثار و حرکات و رفتاری که در تأمین هدف متشکله آن نقش مثبت دارند؛ یعنی به جز قدرت خداوند که مطلق است، در هر مورد، اعم از موجود طبیعی و تکوینی مشخص یا یک موجود ماشینی و مصنوعی و یا یک نهاد اجتماعی که قدرت رابه آن نسبت می‌دهیم؛ پیوسته هدف

۱. معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۸۱۲ واژه «قدرت».

۲. فیومی، المصباح المنیر، ج ۲ ص ۴۹۲ واژه «قدر» و طریحی، مجمع البحرین، ج ۳ ص ۴۴۹.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، ص ۱۳۷ واژه «القدره».

۴. حق شناس و دیگران، فرهنگ معاصر هزاره، ص ۱۲۸۱ واژه power و اسکندری، کالبدشناسی مفهوم قدرت، ص ۳۵-۶۱.

مشخصی را در نظر داریم که آن موجود طبیعی یا مصنوعی و یا آن نهاد اجتماعی به منظور تأمین آن هدف ویژه به وجود آمده است تا برای تأمین آن هدف و تحصیل آن منظور خاص، آثار و حرکات و تلاش‌های مناسبی را از خود ظاهر کند.^۱

انقلاب: «انقلاب» در لغت، به معنای برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، تغییر و تحول است و از ریشه لاتین revolution، به معنای حرکت دورانی و منظم ستارگان می‌باشد که اصطلاحی در اخترشناسی است. در سده هفدهم واژه انقلاب، نخستین بار به صورت اصطلاحی در سیاست به کار رفت و امروزه در مورد دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی به کار می‌رود.^۲ در اصطلاح رایج جهانی، انقلاب، به معنای تلاش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت و ایجاد حکومتی نو به منظور تغییرات اساسی و بنیادین است. بنابراین، اصول انقلاب را به عنوان لوازم قطعی آن، می‌توان چنین دانست: تغییر بنیادها و نظام اجتماع، نوگرایی، آرمان خواهی، خشونت سیاسی یا نظامی در مقابل نظام حاکم. با توجه به معنا و مفهوم کلی آنچه گفته شد، انقلاب دارای انواعی است؛ از جمله انقلاب فرهنگی، انقلاب اداری، انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی.

حضرت محمد ﷺ فردی انقلابی تمام عیار بود که از طرف خداوند به منظور تحقق خواسته‌های جاودانه بشر، یعنی آزادی، عدالت، مساوات و یگانگی، اخلاق، رشد و کرامت فردی آدمیان، صلح و صفا بین انسان‌ها و برای برانداختن شرک نظری و عملی برانگیخته شد. او خود در دوران کوتاه بعثت نمونه‌ای مطلوب از جامعه اسلامی پدید آورد؛ اما پس از رحلت ایشان، جامعه دچار انحطاط و انحراف شد که شیعه معتقد است حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با انقلاب جهانی خود سعادت جامعه بشری را که وعده داده شده است، تحقق می‌بخشد. از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال شد؛ حضرت فرمود: «يُصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْأِسْلَامَ جَدِيداً؛ [امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] مانند پیامبر اسلام عمل خواهد کرد؛ همان‌گونه که پیامبر آنچه از روش جاهلیت

۱. ر.ک: اسکندری، کالبد شکافی مفهوم قدرت، ص ۳۵-۶۱.

۲. ر.ک: عیوضی و هراتی، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، فصل اول، ص ۲۰-۲۲.

[در میان مردم مرسوم] بود از میان برد، همین گونه روش‌های جاهلی پیش از ظهور خود را نابود و اسلام را از نو پی ریزی خواهد کرد.

قانون اساسی: «قانون اساسی» عالی‌ترین سند حقوقی هر کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی حکومت هر کشور و تعیین و تضمین‌کننده حقوق شهروندان است. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. به عبارت دیگر، قانون اساسی قانون تعیین‌کننده نظام حاکم است؛ قانونی که مشخص می‌کند قدرت در کجا متمرکز و روابط این قدرت حاکم با آزادی‌ها و حقوق افراد ملت چگونه است و قوای حاکم اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه دارای چه وظایف و مسئولیت‌هایی در برابر ملت هستند. علاوه بر این موارد، قانون اساسی مضامینی مانند پرچم ملی، سرود ملی، نشان ملی، پایتخت کشور و اصول حاکم بر سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌های فرهنگی و روابط خارجی کشور را مورد توجه قرار می‌دهد.^۱

در این نوشتار، معیار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسیده و در سال ۱۳۶۸ بازنگری شده است و دارای یک مقدمه، چهارده فصل و ۱۷۷ اصل است!^۲

جمهوری اسلامی: «جمهوری اسلامی» نوع جدیدی از حکومت است که انقلاب اسلامی ایران به جهانیان نشان داد: در این حکومت، مردم براساس ایمان و در سایه توحید در سرنوشت خود نقش دارند که از آن به «مردم سالاری دینی» هم تعبیر می‌شود.

«مردم سالاری دینی، ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم و در چارچوب مقررات الهی استوار است و در جهت حق‌مداری، خدمت‌محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می‌کند. از این رو در نظام مردم سالاری دینی، نظام سیاسی بر دو رکن الهی و انسانی استوار است و این نظام با در نظر داشتن اصول اعتقادی

۱. ر.ک: زرنگ، سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا، ص ۳۴-۳۸.

۲. جهانگیر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۹-۹۷.

اسلام، رابطه مردم و حکومت را تبیین می‌کند.»^۱ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «این‌که ما امروز مردم‌سالاری دینی را مطرح می‌کنیم، چیزی غیر از ترجمه جمهوری اسلامی نیست ... مردم‌سالاری چیزی نیست که در ایران سابقه تاریخی داشته باشد - اصلاً وجود نداشته - این حقیقت و این مفهوم با جمهوری اسلامی در کشور تعریف شد و تحقق پیدا کرد.»^۲

بنابراین، منظور از جمهوری اسلامی در این نوشتار مدل جدیدی از مردم‌سالاری دینی است که براساس اصل چهارم قانون اساسی آن، موازین اسلامی بر عموم اصول دیگر قانون اساسی حاکم می‌باشد و نظامی اسلامی است که بر اساس اصل دوازدهم دین رسمی آن، اسلام و مذهب آن جعفری اثناعشری است که الی‌الابد غیرقابل تغییر است. اجرایی کردن این مدل از جمهوری بر پایه سایر اصول از جمله اصل ششم می‌باشد که نقش مردم را مشخص می‌کند.

۲. مهدویت در قانون اساسی

۲-۱. تدوین قانون اساسی بر مبنای دین اسلام و مذهب جعفری

جمهوری اسلامی، نظامی است که بر پایه ایمان به خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او^۳ تشکیل شده و بنابر اصل چهارم، کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی بوده و این اصل بر عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است^۴ و بنابر اصل دوازدهم، دین رسمی ایران، اسلام و مذهب آن جعفری اثناعشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است. در اصل دوم قانون اساسی نیز بر امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی،^۵ به عنوان یکی از پایه‌های اساسی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تاکید شده است.

۱. پرسمان، شماره ۳۶ مفهوم مردم‌سالاری دینی چیست؟

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و استادان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.

۳. قانون اساسی، اصل دوم.

۴. همان، اصل چهارم.

۵. همان، اصل دوم.

۲-۲. حکومت اسلامی و انتخاب مدل جمهوری برای عملیاتی کردن آرمان‌های انقلاب^۱

«حکومت» از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که خود را سازماندهی می‌کند تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود، از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و خود را از آمیزه‌های فکری بیگانه پاک کرد و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت.^۲ براساس اصل اول قانون اساسی، ملت ایران در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸، با اکثریت قاطع ۹۸٫۲ درصد کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت دادند. در اصل ششم نیز بر اداره امور کشور بر اساس آرای عمومی مردم از راه انتخابات یا همه پرسی تاکید شده است.

از دیدگاه برخی منتقدان، این مدل جمهوری با دینی بودن حکومت که در اصل چهارم آمده است و اصل پنجم قانون اساسی که در عصر غیبت ولی فقیه را برای امامت امت معرفی کرده، ناسازگار است.^۳ در پاسخ باید گفت جمهوری اسلامی مدل جدیدی از حکومت بود که انقلاب به جهانیان نشان داد و در آن، مردم براساس ایمان و در سایه توحید در سرنوشت خود نقش دارند که به مردم سالاری دینی تعبیر می‌شود.^۴ رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرماید:

«الگوی نوین مردم سالاری دینی، راه جدیدی را به بشریت ارائه کرده است که زندگی انسان در آن، از آفات نظام‌های بنا شده بر استبداد فردی و حزبی یا برآمده از نفوذ زرسالاران و چپاولگران و از غرقه شدن در وادی مادِیگری و اباحیگری و دور افتادن از معنویت، مبرا گردد و تقابل و تضاد خداپرستی با مردم گرایی را در عمل تخطئه کند.^۵ رهبر انقلاب در ترسیم هدف امام خمینی در ایجاد این انقلاب که از آن به مکتب سیاسی امام تعبیر می‌کند، می‌فرماید: «در مکتب سیاسی

۱. اصل اول.

۲. مقدمه قانون اساسی، شیوه حکومت در اسلام.

۳. ر.ک: حسینی بهشتی، مقاله دشواری‌های نظری تحقق مردم سالاری دینی، ش ۲۸.

۴. پرسمان، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۳۶، مفهوم مردم سالاری دینی چیست؟

۵. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره مجلس خبرگان، ۱۳۸۵/۱۲/۱.

امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آرای مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما - که از متن اسلام گرفته شده است - مردم‌سالاری حقیقی است؛ [و] مثل مردم‌سالاری آمریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهن‌های مردم نیست. مردم با رأی خود، با اراده خود، با خواست خود و با ایمان خود راه را انتخاب می‌کنند؛ مسؤولان خود را هم انتخاب می‌کنند. لذا دو ماه از پیروزی انقلاب گذشته بود که امام اصل نظام برآمده از انقلاب را به رأی مردم گذاشت.^۱

اجرایی کردن این مدل از جمهوری بر پایه سایر اصول، از جمله اصل ششم می‌باشد که نقش مردم را مشخص می‌کند و نیز براساس اصل پنجم می‌باشد که ضابطه‌مندانه نقش ولی فقیه را ترسیم می‌کند و در چارچوب قوانین شرع و قانون اساسی، حیطة اختیارات و وظایف ولی فقیه را روشن می‌کند. کسانی که با مبانی شیعه اثنا عشری اندکی آشنایی دارند؛ به خوبی می‌دانند که ولایت مطلقه فقیه نفی استبداد و خودرأیی است و به هیچ وجه دیکتاتوری که در جهان رواج دارد، با ولایت فقیه قابل قیاس نیست و بر اساس اصل یکصد و یازدهم، هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. جالب توجه این که بر اساس همین اصل یکصد و یازدهم، تشخیص این امر به عهده خبرگان رهبری است که منتخب خود مردم هستند.

بر همین اساس، در مقدمه قانون اساسی نیز آمده است: با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در مسیر گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. اصل یکصد و دهم با تبیین وظایف و اختیارات رهبر، بیانگر آن است که علاوه بر وظایف مربوط به مدیریت جامعه اسلامی، برخی از وظایف ویژه امام در عصر غیبت برعهده ولی فقیه است، مانند نصب و عزل^۲ بعضی از مسؤولان تراز اول نظام همچون؛ عالی‌ترین مقام قوه قضاییه،

۱. بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۸۵/۳/۱۴.

۲. قانون اساسی، اصل ۱۱۰، بند ۶.

فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی، حل معضلات نظام که از طُرُق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام،^۱ اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها^۲ و عفو محکومان یا تخفیف مجازات آنان در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه.^۳ براساس بند ۹ و ۱۰ اصل یکصد و دهم، با صرف برگزاری انتخابات، رئیس جمهور که بالاترین مقام اجرایی کشور است، انتخاب نمی شود، بلکه بر اساس آنچه در اصل دوم گذشت، جمهوری اسلامی ایران نظام الهی و دینی است که حاکمیت و تشریح را مختص خداوند متعال می داند که امامت و رهبری مستمر در تداوم آن نقش اساسی دارد. بدین رو، بر اساس اصل پنجم در زمان غیبت حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است.^۴ بدین سبب مسئولان باید از طرف امام جامعه منصوب شوند تا مشروعیت یابند. به عنوان نمونه، امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم،^۵ یا عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی^۶ در این سمت و سو می باشد.

متن حکم تنفیذ امام خمینی به اولین رئیس جمهور منتخب مردم، به صراحت گویای جایگاه ولی فقیه در عصر غیبت می باشد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». بر اساس آن که ملت شریف ایران با اکثریت قاطع، جناب آقای دکتر سیدابوالحسن بنی صدر را به ریاست جمهوری کشور جمهوری اسلامی ایران برگزیده اند، و بر حسب آن که مشروعیت آن باید به نصب فقیه جامع الشرایط باشد؛ این جانب به موجب این حکم، رأی ملت را تنفیذ و ایشان را به این سمت منصوب نمودم؛ لکن تنفیذ و نصب این جانب و رأی ملت مسلمان ایران محدود است به عدم تخلف ایشان از احکام مقدسه اسلام و تبعیت از

۱. همان، بند ۸.

۲. همان، بند ۵.

۳. همان، بند ۱۱.

۴. قانون اساسی، اصل پنجم.

۵. همان، اصل یکصد و دهم، بند ۹.

۶. همان، بند ۱۰.

۲-۳. ولایت فقیه، رکن بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

براساس اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران نظامی الهی و دینی است که حاکمیت و تشریح را مختص خداوند متعال می‌داند که امامت و رهبری مستمر در تداوم آن نقش اساسی دارد. بدین رو در عصر غیبت، براساس آموزه‌های دینی می‌بایست ولایت از طرف خداوند جریان یابد که براساس روایات متعدد حکومت الهی در عصر غیبت به شکل ولایت فقیه جامع‌الشرایط قابل اجراست.^۲ از این رو در اصل پنجم قانون اساسی آمده است: در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم، عهده‌دار آن می‌گردد.^۳ بدین رو در اصل دوم قانون اساسی امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی،^۴ به عنوان یکی از پایه‌های اساسی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است. امام خمینی به عنوان رهبر و تئوریسین اصلی انقلاب با تأکید بر ضرورت اجرای احکام اسلامی در عصر غیبت، با نفی طاغوت زمان، عملاً شبهه باطل بودن قیام‌های پیش از ظهور را به چالش کشید و زمینه سازی و برقراری حکومت را لازمه اعتقاد به رکن اساسی امامت در فرهنگ تشیع و انتظار حقیقی برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و وظیفه هر منتظر واقعی قلمداد کرد.^۵

امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «اکنون که دوران غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست؛ تشکیل حکومت لازم می‌آید. عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است.»^۶ بنابراین، برقراری حکومت در

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۳۹.

۲. برای کسب اطلاعات بیش‌تر رک: امام خمینی، کتاب ولایت فقیه و کتاب ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، تألیف آیت الله عبدالله جوادی آملی.

۳. قانون اساسی، اصل پنجم.

۴. همان، اصل دوم.

۵. در مورد قیام‌های پیش از ظهور، رک: خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۶-۳۰ و طبعی، ناظهور، ج ۱، ص ۶۷-۸۷.

۶. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۹ تا ۵۰. پورتال امام خمینی، وظایف منتظران در کلام امام، کد مطلب ۳۰۵۰۶.

عصر غیبت براساس نظریه ولایت فقیه، حرکت بنیادین امام خمینی بود که قانون اساسی بر همین مبنا تدوین شده است. در مقدمه قانون اساسی آمده است:

«بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی، زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود: «مجارى الأمور بید العلماء بالله الأمانة علی حلاله و حرامه» آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند.»^۱

بدین رو بر تنظیم امور با زعامت فقیه عادل، به عنوان تضمین کننده هویت دینی انقلاب تاکید شده است.

۲-۴-۲. همخوانی شعارها و اهداف انقلاب با برنامه‌های انقلاب مهدوی

در اصل سوم و برخی دیگر از اصول قانون اساسی وظایف حکومت جمهوری اسلامی ایران ترسیم شده است که این وظایف براساس روایات، از برنامه‌های حاکمیت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود:

۲-۴-۱. رشد فضایل اخلاقی

بر اساس مفاد مقدمه قانون اساسی، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و زمینه‌هایی را به وجود آورد که در آن، انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. در اصل سوم نیز ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی،^۲ یکی از وظایف حاکمیت بیان شده است.

امام باقر علیه السلام در وصف رشد تربیتی و عقلی در عصر مهدوی می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛^۳

۱. مقدمه قانون اساسی.

۲. قانون اساسی، اصل سوم، بند ۱.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۱: «وَ أَكْمَلَ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ» و راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۰ (در برخی منابع «احلامهم» آمده است، مانند: اصول کافی، کتابُ الْعُقُلِ وَ الْجُهْلِ).

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست او را بر سر بندگانش می‌کشد و عقل آن‌ها را جمع و اخلاقشان را به کمال خواهد رساند» و طبق فرمایش حضرت علی علیه السلام: «و یعتکفون الناس علی العباده و الطاعة و الخشوع و الدیانة»؛^۱ همه مردم به اطاعت و عبادت خداوند گرایش پیدا می‌کنند و در اجرای احکام دینت می‌کوشند؛ در نتیجه بنا بر سخن امام صادق علیه السلام: «و یذهب الزنا و شرب الخمر و یذهب الربا و یقبل الناس علی العبادات و تؤدی الأمانات و یهلك الأشرار و تبقی الأخیار»^۲؛ روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری از بین می‌رود، مردم به عبادت و اطاعت روی می‌آورند، امانت‌ها را به خوبی رعایت می‌کنند. اشرار و اوباش نابود می‌شوند و افراد صالح باقی می‌مانند.»

بنابراین، وقتی در رأس همه جوامع عالم، انسان کامل و معصومی باشد که بتواند رفتار عاقلانه را به مردم بیاموزد، طبیعتاً مردم به سراغ عبادت خداوند خواهند رفت و فسادهای اخلاقی رخت بر خواهد بست. امیرالمومنین امام علی علیه السلام فرمودند: «چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها زدوده می‌شود.»^۳ حضرت به مبارزه عملی با فساد و تباهی و زشتی می‌پردازد؛ چنان که در دعای شریف ندبه می‌خوانیم: «أَیْنَ طَامِسُ آثَارِ الرَّیْبِغِ وَالْأَهْوَاءِ، أَیْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْکِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ...؛ کجاست آن که ریسمان‌های دروغ و افترا را ریشه کن و کجاست آن که آثار گمراهی و هوا و هوس را نابود خواهد کرد...؟!»^۴

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«در روزگاری که هوای نفس حکومت می‌کند، [مهدی علیه السلام ظهور می‌کند و] هدایت و رستگاری را جایگزین هوای نفس می‌کند و در عصری که نظر اشخاص بر قرآن مقدم شده، افکار را متوجه قرآن می‌گرداند و آن را حاکم بر جامعه می‌کند.»^۵

در مقدمه قانون اساسی بر ایجاد جامعه اسوه ایمانی تاکید شده و آمده است: رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و زمینه‌هایی را به وجود آورد

۱. یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲. همان، ص ۲۴۸.

۳. امام علی علیه السلام: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَدَهَبَتِ السُّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ» (صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶).

۴. قمی، مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۵. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد.

۲-۴-۲. توسعه علم و خردورزی

از منظر آموزه‌های دینی «عقل»، به عنوان «حجت باطنی» راهی برای کسب معارف و رسیدن به اهداف عالی زندگی است که بنابر برخی روایات، قوام بخش شریعت نیز می‌باشد. مرحوم کلینی از حضرت علی علیه السلام روایت قابل دقت و تأملی در مورد عقل نقل می‌کند:

جبرئیل علیه السلام بر آدم علیه السلام فرود آمد و گفت: ای آدم! من فرمان دارم که تو را در انتخاب یکی از سه چیز، مخیر گردانم. یکی از آن‌ها را برگزین و دو تای دیگر را وا گذار. آدم گفت: «ای جبرئیل! آن سه چیست؟» جبرئیل گفت: خرد و حیا و دین. آدم گفت: «من خرد را برگزیدم.» جبرئیل به حیا و دین گفت: شما دو تا بروید و عقل را وا گذارید. آن دو به جبرئیل گفتند: ای جبرئیل! ما دستور داریم که هر کجا خرد باشد، با آن باشیم^۱.

بر اساس روایات در دولت مهدوی هم کمال عقول و رشد ویژه علمی را شاهد خواهیم بود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ»^۲؛ به این معنا که در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، با آفت زدایی از درخت عقل و خرد و ایجاد بستر و زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی عقول مردم، رحمت و نعمت خداوند بر مردم نازل می‌شود و با کمال عقل و اخلاق به سر منزل مقصود می‌رسند.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

«علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده‌اند، تن‌ها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف، با حرف‌های دیگر آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، آن را بین مردم نشر و گسترش می‌دهد و آن دو

۱. الإمام علی علیه السلام: «هَيَّظَ جِبْرِيْلُ عَلَى آدَمَ علیه السلام فَقَالَ: يَا آدَمُ، إِنِّي أَمْرْتُ أَنْ أُخْبِرَكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ، فَاخْتَرَهَا وَدَعَا اثْنَتَيْنِ، فَقَالَ لَهُ آدَمُ: يَا جِبْرِيْلُ، وَمَا الثَّلَاثُ؟ فَقَالَ: الْعَقْلُ وَالْحَيَاءُ وَالذِّينُ، فَقَالَ آدَمُ: إِنِّي قَدِ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ، فَقَالَ جِبْرِيْلُ لِلْحَيَاءِ وَالذِّينِ: اِنْصَرِفَا وَدَعَا، فَقَالَ: يَا جِبْرِيْلُ، إِنَّا أَمْرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ، قَالَ: فَشَأْنُكُمَا، وَعَرَّجَ.» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰، ح ۲).

۲. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ» (همان، ص ۲۵، ح ۲).

حرف را نیز ضمیمه و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می‌کند.^۱

تاکید بر توسعه و فراگیر شدن علم و تحقیق در قانون اساسی، از وظایف اصلی حکومت جمهوری اسلامی ایران قلمداد شده است. در اصل سوم آمده است: آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی^۲ و تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی، از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان از وظایف حاکمیت است.

بدیهی است علت برخی کجروی‌ها، ناآگاهی و جهل است. بدین رو امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر حضور پربركتش علم و دانایی مردم را افزایش خواهد داد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی ضمن توصیف قیام امام عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «سراسر عالم را از علم و دانایی بهره‌مند می‌کند، پس از آن که به جهل و نادانی گرفتار آمده باشد.»^۳ به نظر می‌رسد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از ابزارهای پیشرفته نیز که در زمان حکومتش رشد چشمگیری خواهد داشت؛ برای گسترش دانایی بهره خواهد برد. امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «در زمان امام مهدی به شما حکمت داده می‌شود؛ تا آن جا که زن در درون خانه‌اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کند.»^۴

۳-۴-۲. دادگستری و عدالت محوری

عقل سلیم همواره به زشتی ظلم و نیکویی عدل رهنمون است که این رویکرد مورد تاکید شرع مقدس نیز می‌باشد. خداوند متعال در قرآن کریم خود را «قائم به قسط»^۵ معرفی کرده است و برپایی عدالت را از اهداف انبیا می‌شمارد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ

۱. مجلسی، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. قانون اساسی، اصل سوم، بند ۳ و ۴ و همچنین اصل سی ام: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.»

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۳.

۴. همان

۵. «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۱۸)

وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ^۱ روایات متعددی که از ائمه علیهم السلام در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده‌اند با تعابیر مختلف، عدل گستری بعد از پر شدن زمین از ظلم و جور را از اهداف حکومت حضرت برشمرده‌اند؛ از جمله:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْلُغَ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِي، اسْمُهُ اسْمِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.»^۲ امام صادق علیه السلام نیز گستره عدل مهدوی را در جمله‌ای بسیار زیبا این گونه بیان می‌کند: «به خدا سوگند! عدالت او در داخل خانه‌هایشان به آن‌ها می‌رسد، همان گونه که سرما و گرما به داخل خانه‌هایشان نفوذ می‌کند»^۳

یکی از لوازم تحقق عدالت، ایجاد و تقویت دستگاه قضایی عادل است تا مردم بتوانند به آن مراجعه کنند. براساس اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی، به منظور اجرای مسئولیت‌های قوه قضاییه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری، یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضاییه تعیین می‌کند که این شخص عالی‌ترین مقام قوه قضاییه است؛ یعنی ولی فقیه از بین مجتهدان عادل یک نفر را برای مدیریت دستگاه قضایی کشور مشخص می‌کند که این مجتهد عادل وظیفه دارد برای برپایی عدالت در تمام نقاط کشور و برای آحاد مردم تلاش کند.

بنابراین، براساس اصل یکصد و پنجاه و ششم، قوه قضاییه زیر نظر ولی فقیه، به عنوان قوه‌ای مستقل پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت در جامعه است. عدالت می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مورد نظر باشد که در اصل سوم قانون اساسی، به مواردی متعدد، از جمله عدالت در آموزش و پرورش، آزادی و امنیت، بهداشت، مسکن، کار و توزیع ثروت اشاره شده است.

۱. «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب [آسمانی] و میزان [برای شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید: ۲۵).

۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «اگر تنها یک روز به پایان دنیا باقی مانده باشد، خداوند، آن روز را چنان طولانی می‌گرداند تا مردی از عترت من و هم نام من، بیاید که زمین را از عدل و داد پر کند، چنان که پُر از ظلم و جور گشته است.»

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۹۷).

۴-۴-۲. رشد اقتصادی و رفاه و فقر زدایی

در اصل سوم، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه، طبق ضوابط اسلامی، برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه^۱ از برنامه‌های دولت اسلامی برشمرده شده است.

در برنامه‌های اقتصادی حکومت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى نیز ابتدا امر تولید، سامان می‌یابد و از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌شود؛ سپس ثروت به دست آمده، عادلانه بین همه طبقات توزیع می‌گردد. براساس روایات در دوران حاکمیت حضرت، محوریت در موارد ذیل است:

الف) بهره‌وری از منابع طبیعی: به برکت حکومت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، آسمان سخاوتمندانه می‌بارد و زمین بی‌دریغ ثمر می‌دهد. امام علی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرمود: «و چون قائم ما قیام کند، آسمان باران می‌ریزد و زمین گیاه بیرون می‌آورد»^۲ امام باقر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى نیز می‌فرماید: «تمام گنج‌های زمین برای او آشکار می‌گردد.»^۳

ب) توزیع عادلانه ثروت: از عوامل اقتصاد بیمار، انباشته شدن ثروت نزد گروه خاصی است. در دوران حکومت عدل مهدوی، اموال و ثروت (بیت المال) به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌شود. امام باقر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى می‌فرماید: «وقتی قائم خاندان پیامبر قیام کند، اموال را به طور مساوی تقسیم و در میان خلق به عدالت رفتار می‌کند.»^۴ همچنین فرمود: «امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى میان مردم به مساوات رفتار می‌کند؛ به گونه‌ای که کسی پیدا نشود که به زکات نیازمند باشد.»^۵

ج) عمران و آبادانی: در حکومت آن حضرت، تولید و توزیع به گونه‌ای سامان دهی می‌شود که همه جا به نعمت و آبادانی می‌رسد. امام باقر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى می‌فرماید: «در تمام زمین، هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، جز این که آباد می‌گردد.»^۶

۱. قانون اساسی، اصل سوم، بند ۱۲.

۲. «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا» (صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶).

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۶ و ۳۹۴، باب ۳۴، ح ۶.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۷، باب ۱۳.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۹.

۶. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸ و ۳۹۴.

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام همچون امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در زدودن فقر می‌کوشد و نه تنها فقر را کاهش می‌دهد، بلکه به حذف کامل آن توفیق می‌یابد. از یک سو سرمایه‌های مادی فزونی می‌یابد و رشد اقتصادی پایدار پدید می‌آید و از دگر سو، این امکانات، عادلانه توزیع می‌شوند و فشار و ستم سودجویان زیاده خواه از بین می‌رود. سرانجام، مردم نیز از روحی الهی سرشار و به اخلاق و معرفت و تقوا آراسته می‌شوند؛ چنان که دامنه حرص و آز که سرچشمه گناهای چون تکاثر و بخل و احتکار و تنازع است، برچیده می‌شود.

همچنین برای توزیع عادلانه ثروت و بهره مندی از امکانات، مدیریت انفال و ثروت‌های عمومی در دستور کار حکومت اسلامی قرار دارد. براساس اصل چهل و پنجم، انفال^۱ و ثروت‌های عمومی، از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، درّه‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالك و اموال عمومی که از غاصبان مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عموم نسبت به آن‌ها عمل کند.^۲

در اصل سوم نیز تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها^۳ و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی^۴ مورد تاکید می‌باشد. در اصل یکصد و پنجاه و سوم نیز آمده است هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است؛ یعنی در مجموع باید همه عوامل برای ایجاد رشد اقتصادی و فقر زدایی بسیج شود.

البته فصل‌های چهارم از اصل چهل و سوم تا پنجاه و پنجم، به صورت ریز و دقیق‌تر، بحث اقتصاد و امور مالی را مطرح و راهکارهای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت را بیان می‌کنند.

۱. «انفال»، جمع نُفْل یا نَفْل به معنای زیادی، بخشش و غنیمت است. فقهای امامیه بر این حکم اتفاق نظر دارند که بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، انفال به امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام متعلق است و در زمانی که در بین جامعه حضور دارد، برای هیچ‌کس تصرف در آن بدون اجازه از سوی ایشان یا جانشین وی جایز نیست.

۲. قانون اساسی، اصل چهل و پنجم.

۳. همان، اصل سوم، بند ۱۳.

۴. همان، اصل سوم، بند ۹.

۵-۴-۲. آزادی و امنیت

«امنیت» نیاز اساسی افراد جامعه است که برآورده شدن سایر نیازهای جمعی و اجرای صحیح برنامه‌ها به وجود آن بستگی دارد. بدین رو امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«لَا نِعْمَةَ أَهْنًا مِنَ الْأَمْنِ؛ هَيْجَ نِعْمَتِي گواراتر از امنیت نیست.»^۱ در روایات نیز آمده است: ایجاد امنیت یکی از اهداف دولت مهدوی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «در عصر ظهور، زن با همه زیب و زیور خود از عراق تا شام می‌رود و چیزی او را نمی‌ترساند.»^۲ در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است: «...حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَهَا إِلَّا عَلَى التَّبَاتِ وَعَلَى رَأْسِهَا زِينَتَهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ...»^۳ راه‌ها امن می‌شود؛ به طوری که زن از عراق تا شام می‌رود و پای خود را جز روی گیاه نمی‌گذارد، جواهراتش را بر سرش می‌گذارد و از درنده و درنده‌خویی هراس ندارد.»

امام صادق علیه السلام نیز امنیت جامعه مهدوی را این گونه به تصویر می‌کشد:

«...يُطَوِّئُ اللَّهُ بِهِ الْفِتْنَةَ الْعَمِيَاءَ، وَ تُؤْمِنُ الْأَرْضُ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْءَ لَتُحُجَّ فِي خَمْسِ نِسْوَةٍ وَمَا مَعَهُنَّ رَجُلٌ لَا تَتَّقِي شَيْئًا إِلَّا اللَّهَ...؛ خداوند به وسیله او [امام مهدی علیه السلام] فتنه‌های جانکاه را آرام و ساکن می‌کند؛ زمین امن گردد، یک زن در میان پنج زن بدون این که مردی آن‌ها را همراهی کند، به حج می‌رود و جز خدا از کسی باکی ندارند.»^۴

بدین منظور در اصل سوم قانون اساسی نیز تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه^۵ و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون^۶ و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی؛^۷ از وظایف حکومت اسلامی برشمرده شده است. فصل سیزده نیز به معرفی شورای عالی امنیت ملی

۱. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۵۸، حدیث ۸۰۷۳.

۲. صدوق، خصال، ص ۶۲۶.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱.

۴. کورانی، عصر الظهور، ص ۳۲۶.

۵. قانون اساسی، اصل سوم، بند ۱۴.

۶. همان، اصل سوم، بند ۶.

۷. همان، اصل سوم، بند ۹.

می‌پردازد که تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی را بر عهده دارد.^۱

۴-۲. مبارزه با استبداد و استکبار و حمایت از مستضعفان

بر اساس آموزه‌های دینی، پیروزی مستضعفان بر مستکبران یکی دیگر از وعده‌های الهی است که بر اساس روایات، مصداق بارز آن در حکومت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام محقق خواهد شد. آیه ۵ سوره قصص: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲ یکی از وعده‌های الهی است که با تعبیر اراده الهی بیان شده و به صراحت در مقدمه قانون اساسی نیز آمده است.^۳

در مورد این آیه، از امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام چنین نقل شده است: «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَام يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ عَلَيْهِ السَّلَام بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعِزُّهُمْ وَيُذِلُّ عَدُوَّهُمْ»^۴

در بخشی از مقدمه قانون اساسی نیز بر حمایت از مستضعفان و مقابله با مستکبران تاکید شده است: قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفان بر مستکبران بود؛ زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند.^۵ در بند ۱۶ اصل نیز موارد ذیل، به عنوان تبیین وظایف دولت آمده است: تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت

۱. ر.ک: همان، فصل سیزده، اصل یکصد و هفتاد و ششم.

۲. «ما اراده کرده‌ایم بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.» (قصص: ۵).

۳. «... قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌کند تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقا و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (مقدمه قانون اساسی).

۴. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در مورد آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» فرمود: «آنان که در زمین ضعیف گشته‌اند، آل پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند که خداوند پس از تلاش همه ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، مهدی آن‌ها را برمی‌انگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند.» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۴ و طوسی، الغیبه، ص ۱۸۴).

۵. مقدمه قانون اساسی.

بی‌دریغ از مستضعفان جهان. در بند ۵ و ۶ اصل سوم نیز طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی،^۱ از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران شمرده شده است.

حاکمیت دین الاهی بر جهان: بر اساس آموزه‌های دینی، پایان جهان با حاکمیت مکتب

توحیدی خواهد بود. آیه ۳۳ سوره توبه می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. «امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «انَّ ذَلِكْ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ این پیروزی هنگام قیام مهدی از آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خواهد بود؛ آن چنان که هیچ کس در جهان باقی نمی‌ماند، مگر این که به نبوت حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقرار خواهد کرد.»

اصل یکصد و پنجاه و چهارم این مهم را بیان می‌کند که جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد ... و از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر گوشه از جهان حمایت می‌کند. در مقدمه قانون اساسی نیز آمده است: ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و خود را از آمیزه‌های فکری بیگانه پاک کرد و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت. اکنون بر آن است که با موازین اسلامی، جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و بسترها و زمینه‌هایی را به وجود آورد که، انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفان بر مستکبران بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند: «إِنَّ هُدِيهِ

۱. قانون اساسی، اصل سوم، بند ۵.

أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء: ۹۲) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

سیاست خارجی بر اساس نفی استکبار و حمایت از مستضعفان: تحقق حکومت مهدوی یکی از وعده‌های الهی به مستضعفان جهان است و در مقدمه قانون اساسی^۱ بر این مطلب و تحقق حکومت صالحان اشاره شده است. در این زمینه در فصل دهم قانون اساسی که اصول مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیان شده‌اند؛ مواردی همچون نفی استکبار و حمایت از مستضعفان و تلاش برای سعادت جامعه بشری و زمینه سازی برای تحقق دولت موعود تاکید شده و آمده است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمخرب استوار است.^۲

در اصل یکصد و پنجاه و چهارم نیز آمده است: «جمهوری اسلامی ... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.» در اصل سوم نیز تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان^۳ از وظایف حاکمیت اسلامی شمرده شده است.

قاعده نفی سبیل: بر اساس منابع دینی، خداوند برای کافران نسبت به اهل ایمان راه سلطه و برتری باز نگذاشته است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۴. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «فرقی میان استیلای سیاسی یا فرهنگی و معنوی دشمن وجود ندارد. اگر روابط سیاسی موجب تسلط کفار بر نفوس و بلاد و اموال مسلمانان، شود یا باعث اسارت سیاسی این‌ها

۱. «... قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی... که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود» (مقدمه قانون اساسی).

۲. قانون اساسی، فصل دهم، اصل یکصد و پنجاه و دوم.

۳. همان، اصل سوم، بند ۱۶.

۴. آیه ۱۴۱ نساء. (ر.ک: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۱).

گردد، برقراری روابط حرام است.^۱ در اصل سوم هم طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب^۲ و تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام^۳ از وظایف حاکمیت اسلامی شمرده شده است.

۷-۴-۲. احیای حقوق عامه و برخورد با متخلفان

در هر جامعه عده‌ای هستند که ناآگاهانه خلافی را مرتکب می‌شوند که با امر به معروف و نهی از منکر متنه می‌شوند؛ اما در مورد تعدادی از افراد جز اجرای حدود و برخورد سخت‌گیرانه جواب‌گو نیست. امام باقر علیه السلام در وصف حضرت مهدی و یارانش فرمود: «... يَا مُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۴ امام جواد علیه السلام نیز به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وصف حضرت قائم علیه السلام فرمود: «او حدود را اقامه خواهد کرد»^۵.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف که مظهر رحمت خدای سبحان است، برای حفظ «امنیت جامعه» با برخی افراد برخورد سخت‌گیرانه تر دارد. امام علی علیه السلام فرمود:

«الا ان في قائمنا أهل البيت كفاية للمستبصرين و عبرة للمعتبرين و محنة للمتكبرين لقوله تعالى: ﴿وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ﴾؛ هو ظهور قائمنا المغيب لأنه عذاب على الكافرين و شفاء و رحمة للمؤمنين؛^۶ آگاه باشید که قائم ما اهل بیت برای آنان که طالب هدایت باشند، بس است و برای آن‌ها که بخواهند عبرت بگیرند، عبرت است و برای آنان که کبر و نخوت ورزند، عذابی جانکاه است؛ چنان که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «مردم را از روزی که عذاب خدا فرا می‌رسد، بترسان» و آن، روز ظهور قائم ما از پشت پرده غیبت است که برای کافران، عذابی جانکاه و برای مؤمنان، نجات و رحمت است.

در اصل یکصد و پنجاه و ششم نیز احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع و

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. قانون اساسی، اصل سوم، بند ۷.

۳. همان، بند ۱۶.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۵. همان، ج ۵۲، باب ۲۷، ح ۴.

۶. حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۱ (اشاره به آیه ۴۴ سوره ابراهیم).

نظارت بر حُسن اجرای قوانین و مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدوّن جزائی اسلام از طرف حکومت اسلامی برعهده قوه قضاییه قرار داده شده است. در اصل سوم نیز تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد از وظایف حکومت اسلامی شمرده شده است.

۸-۴-۲. احیای امر به معروف و مبارزه با جاهلیت مدرن

آن گونه که پیامبر ﷺ در زمان ظهور خود با جاهلیت بشری در همه ابعاد آن مبارزه کرد و اسلام ناب را که ضامن سعادت دنیا و آخرت است، بر محیط خود حاکم کرد؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با ظهور خود با جاهلیت جدید که از جاهلیت قدیم دردناک تر است، برخورد و ارزش های اسلامی و الهی را بر ویرانه های جاهلیت مدرن، بنا خواهد کرد.

از امام صادق علیه السلام در مورد سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال شد؛ حضرت فرمود:

«يُصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيُسْتَأْنَفُ الْأِسْلَامَ جَدِيداً؛ امام مهدی مانند پیامبر اسلام عمل خواهد کرد. همان گونه که پیامبر آنچه از روش جاهلیت [در میان مردم مرسوم] بود از میان برد؛ همین گونه روش های جاهلی پیش از ظهور خود را نابود خواهد کرد و اسلام را از نو پی ریزی خواهد کرد.» رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در این زمینه فرمود: «بشارت باد بر شما به مهدی!... زمین را از عدل و قسط آکنده می کند، آن گونه که پر از جور و ظلم شده باشد. از او ساکن آسمان و زمین راضی خواهد شد.»^۱

در مقدمه قانون اساسی برخی عوامل تشدید کننده نارضایتی مردم، وجود برخی بدعت ها و کجروی ها در جامعه اسلامی عنوان شده است که امام خمینی با شناخت دقیق و تبیین بموقع آن ها، برای ملت، مانند قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) و انقلاب سفید و طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی؛ توانست جامعه و دل ها را به هم متحد و انقلاب را به ثمر بنشاند. بدیهی است در حکومتی که بر این مؤلفه ها بنا نهاد شده است، مقابله با بدعت ها نقش تعیین کننده ای دارد. در اصل یکصد و هفتاد و چهارم نیز آمده است که بر اساس حق نظارت قوه قضاییه به حُسن جریان امور و اجرای

۱. اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۱ و ۴۸۳.

صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد؛ یعنی در جامعه اسلامی مبارزه با بدعت‌ها و جاهلیت نهی از منکر حقیقی است که وظیفه هر مسلمانی است که در کنار امر به معروف ضامن بقای جامعه است. در کلام نورانی امام باقر علیه السلام در اهمیت امر به معروف آمده است: «ان الامر بالمعروف والنهي عن المنکر... فريضة عظيمة بها تقام الفرائض؛^۱ امر به معروف و نهی از منکر... واجبی است که به سبب آن همه واجبات اقامه می‌گردد.» در وصف یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است: «المهدي و أصحابه... يأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.»^۲ در اصل هشتم نیز بر امر به معروف و نهی از منکر تاکید شده و آمده است: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾.

۱. کلینی، الکافی، ج ۵ ص ۵۵ ح ۱.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

نتیجه گیری

انقلاب اسلامی ایران یکی از انقلاب‌های اثرگذار در قرن معاصر است که بر پایه دین مبین اسلام و با محوریت مکتب تشیع اثنا عشری توانست الگوی جدیدی از مردم سالاری دینی را به جهانیان نشان دهد. از آن جا که براساس آموزه‌های شیعه اثنا عشری، در عصر غیبت امامت و مهدویت تعیین کننده می باشد. در این نوشتار سعی شد جایگاه آموزه مهدویت در ساختار قدرت در انقلاب اسلامی ایران مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به این که ساختار قدرت و کیفیت و کمیّت آن براساس قانون اساسی به بهترین شکل قابل سنجش است، تلاش شد جایگاه مهدویت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این اساس بررسی شود.

ابتدا اصول قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفتند و روشن شد که روح حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه امامت است که در عصر غیبت براساس نظریه مترقی «ولایت فقیه» در حال اجراست. علاوه بر کلیات مطرح در مورد آموزه‌های تشیع و امامت در قانون اساسی که پیش تر در مقدمه و اصول اولیه قانون اساسی آمده است، به مواردی که به صورت مستقیم گویای جایگاه مهدویت در ساختار قدرت بود نیز اشاره شد که نظریه ولایت فقیه در رأس این موارد قرار دارد. سپس به بازخوانی برخی برنامه‌ها و اهداف تعیین شده در قانون اساسی و همخوانی آن‌ها با برنامه‌های دولت موعود پرداخته شد؛ مانند رشد فضایل اخلاقی، رشد علمی، دادگستری و عدالت محوری، رشد اقتصادی و رفع فقر، آزادی و امنیت، نفی استکبار و حمایت از مستضعفان و احیای حقوق عامه. این تحقیق نشان می‌دهد که براساس اصول قانون اساسی که مهم‌ترین سند رسمی و قانونی جمهوری اسلامی ایران است و هویت نظام را ترسیم می‌کند؛ ساختار قدرت در حاکمیت اسلامی، بر اساس اندیشه امامت و مهدویت است و این نظام اسلامی تلاش دارد زمینه ساز ظهور دولت جهانی منجی موعود حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چاپ سوم، قم، ۱۳۸۵.
۲. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، مکتبه بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۳. تونه‌ای، مجتبی، فرهنگ القباہی مہدویت (موعود نامہ)، نشر میراث ماندگار، چاپ بیست و یکم، قم، ۱۳۸۹.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیہ ولایت فقہات و عدالت، نشر اسراء، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۳.
۵. جهانگیر، منصور، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر دوران، چاپ بیست و دوم، تهران، ۱۳۸۲.
۶. حائری، محمد مهدی، شجره طویب، منشورات مکتبه الحیدریہ، چاپ پنجم، نجف اشرف، ۱۳۸۵ق.
۷. حرعاملی محمد بن حسن، وسائل الشیعہ إلى تحصیل مسائل الشریعہ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۳م.
۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۹. خمینی، روح الله، تحریر الوسیلہ، دفتر انتشارات اسلامی، (۴ جلدی)، قم، ۱۳۶۸.
۱۰. _____، صحیفہ امام خمینی، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۲۲ جلدی، تهران، ۱۳۸۹.
۱۱. _____، ولایت فقیہ، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۸۵.
۱۲. دہخدا، علی اکبر، لغت نامہ دہخدا، ۱۵ جلدی، نشر دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
۱۳. دیلمی حسین بن الحسن، اعلام الوری، مؤسسہ آل البيت، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۴. راغب اصفہانی، حسین بن محمد، ترجمہ و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، محقق: غلامرضا خسروی حسینی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴.

۱۵. زرننگ، محمد، سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
۱۶. سلیمیان خدامراد، در سنامه مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲.
۱۷. سید فاطمی سید محمد قاری، حقوق بشر معاصر، دفتر اول، انتشارات نگاه معاصر، تهران، ۱۳۹۸.
۱۸. شجاعی مهر، رضا، مهدویت هویت انقلاب اسلامی، انتشارات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، قم، ۱۳۹۷.
۱۹. صافی گلپایگانی لطف الله، منتخب الاثر، مؤسسة سیده المعصومه، قم، ۱۴۱۹ق.
۲۰. صدوق محمد بن علی، خصال، مصحح: علی اکبر غفاری، منشورات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
۲۱. _____، کمال الدین و تمام النعمه، اسلامی، ۲ جلد، تهران، ۱۳۹۵ق.
۲۲. طبسی نجم الدین، تظاهرات، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸.
۲۳. _____، چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۱.
۲۴. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، دارالمعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۶. عیوضی و هراتی، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، نشر معارف، قم، ۱۳۹۰.
۲۷. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۸. قطب الدین راوندی، سعید بن عبد الله، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۹. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، پارس کتاب، مترجم، مهدی الهی قمشه ای.
۳۰. کارگر، رحیم، جستارهایی در مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، قم، ۱۳۸۶.

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.

۳۲. کورانی علی، *عصر الظهور*، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ق.

۳۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۳۴. محمدی، منوچهر، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.

۳۵. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، انتشارات نامن، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶.

۳۶. موحدیان عطار و جمعی از نویسندگان، *گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹.

۳۷. مهدی پور علی اکبر، *روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)*، نشر آفاق، تهران، ۱۳۶۵.

۳۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، نشر صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ق.

۳۹. یزدی حائری، علی، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف*، اعلامی، بیروت، ۱۴۲۲ق.

مقالات، سایتها و نرم افزارها:

۱. اسکندری، محمدحسین، *کالبدشناسی مفهوم قدرت*، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۳۰، بهار ۱۳۸۱.

۲. الویری و برزویی، *گونه شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چهارچوب ظرفیت تمدنی*، مشرق موعود، شماره ۳۴، سال نهم، تابستان ۱۳۹۴.

۳. جباری، حسین علی، *نقش آموزه مهدویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، نشریه پژوهشنامه موعود، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸.

۴. حسینی بهشتی، سید علیرضا، *دشواری های نظری تحقق مردم سالاری دینی*، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۲۸، ۱۳۸۱.

۵. رمضان نرگسی، رضا، *دغدغه های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران*، مجله آموزه، شماره ۷، بهار ۱۳۸۴.

۶. عرفان، امیرحسین، *نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت*، فصلنامه

انتظار موعود، شماره ۳۲، بهار ۱۳۸۹.

۷. پرتال جامع علوم اسلامی.

۸. پرسمان دانشگاهیان، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها.

۹. پرتال امام خمینی.

۱۰. جامع الاحادیث نور ۵.۳ (نرم افزار موسسه نور).

۱۱. سایت مقام معظم رهبری KHAMENEI.IR.

۱۲. کتابخانه کلام اسلامی (نرم افزار موسسه نور).